
الجزء
الثاني



الجزء

سيقول السفهاء

زود باشد كه كويند نادانان

من الناس ما ولىهم

از مردمان چه بركردانيد ايشان را

عن قبلتهم التى

از قبلهٔ ايشان آنك

الاول



الثاني

كانوا عليها قل

بودند برآن بگوای محمد

لله المشرق والمغرب

خدایراست مشرق ومغرب

يهدي من يشاء

راه نماید ازآنکه خواهد



الى صراط مستقيم وكذلك

سوي راه راست

جعلنـ... وسطا لتكونوا

كردانيديم شما را امتي ... تا باشيد شما

شهداء على الناس ويكون

كواهان بر مردمان يعني بر كافران وباشد

الرسول عليكم شهيدا

بيغامبر بر شما كواه

وما جعلنا القبلة التي

ونه كردانيديم قبله را انك

كـ... على...

من...

از انكسي كه ... رسول را

أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ إِنَّهُ

زنده کرد زمین هر اینه زنده کرداننده مردکانست که او
مرده را بنباتات

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بر هر چیزی تواناست

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا

انانک میل کنند در ایات ما

لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ

پنهان نکنند بر ما ادانیم ابس هر کرا
میل ایشانرا

يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ

بیفکنند در اتش بهتر بست یا انکه

يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

بیاید ایمن شده روز قیامت

اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

بکنید امر توبیخ و تهدیدست انچ خواهید بدرستی که او بدانچ میکنید

بصير إن الذين كفروا

بيناست بدرستى انانكه كافر شدند

بالذكر لما جاءهم وإنه

بقرآن وهرگاه كه بيامدشان وبدرستى كه آن

لكتاب عزيز لا يأتيه

كتابيست ارجمند نيايد بوى

الباطل من بين يديه

باطل از پيش وى

ولا من خلفه ط تنزيل

ونه از پس وى اين قرآن فرستاده است

من حكيم حميد ما يقال

از خداوند حكم كننده حميد نه گويند

لك إلا ما قد قيل للرسل

مر ترا مگر آنچ بدرستى گفته شد مر پيغامبران را

أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا

یا انباز گیرنده را وزن زانیه نکند شوی

إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ

مگر مرد زانی را یا انباز گیرنده را وحرام کرده شد

ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

این بر گرویدگان

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ

وانکسانکه دشنام دهند پاک دامنان را

ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ

پس نیارند چهار گواه

فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً

پس بزنید ایشانرا هشتاد تازیانه

وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا

و مپذیرید مر ایشانرا هیچ گواهی هرگز

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

وایشانند ایشان بدمردان

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ

مگر آنکسانک توبه کنند از بس

ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ

آن وبصلاح بازآیند پس بدرستی که خدای

غَفُورٌ رَحِيمٌ وَالَّذِينَ

آمرزنده است وبخشاینده وانکسانک

يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ

دشنام دهند زنان خویش را ونه

يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ

بود ایشانرا گواهان مگر تنهای ایشان

فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ

پس گواهی یکی از ایشان چهار

شهادات

شهادات بالله انه

سوكندست بخداي بدرستي كه او

لمن الصادقين والخامسة

از راست كويانست و پنجم كويد

ان لعنة الله عليه ان

كه لعنت خداي بر وباد اكر

كان من الكاذبين

هست از دروغ زنان

ويدرؤا عنها العذاب

و باز دارند ازو عذاب را

ان تشهد اربع شهادات

انكه سوكند خورد جهار سوكند

بالله انه لمن الكاذبين

بخداي اكر او از دروغ زنان است

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ

وپنجم گويد كه خشم خداي

عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

بر وباد اگر هست از راست گويان

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

واگر نه فضل خداي بودي بر شما

وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ

وبخشايش او وكه خداي توبه دهنده است

حَكِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا

واستواركار بدرستي كه انكسانك بيامدند

بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ

بدروغ گروهي از شما مپنداريد اورا

شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

كه آن بدست شمارا بلكه آن بهترست مر شمارا

ع

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ

مر هر مردي راست از ايشان رنج كار كرد از

الْاِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ

بزه وانك بر كست بيزرك منشي خود از ايشان

لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ لَوْلَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ

مر او راست عقوبت بزرك جرانه جون شنيدند اين دروغ

ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِاَنْفُسِهِمْ

كمان نبردند جنانك كمان كرويدكان از مردان وزنان كرويدكان بتنهاء خويش

خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا اِفْكٌ مُبِينٌ لَوْلَا

نيكي وكفتند اينست دروغ بيدا جرانه

جَاءُوا عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاِذْ لَمْ

اوردند برو بجهار كواهان بس جون نه

يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَاُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ

ارند كواهان بس ايشانند نزديك خداي

هُمُ الْكَاذِبُونَ وَلَوْلَا فَضْلُ

ايشان دروغ گويان اند واگر نه فضل

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا

خداى بودى برشما ورحمت او در اين جهان

وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ

ودران جهان هر اينه بسودى شمارا درانچ در شديد

فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ

اندرو عقوبتى بزرگ جون افكنيد انرا بزبانهاى خويش

وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ

وميگوييد بدهنهاء خويش انچ نيست مرشمارا

بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ

بدو دانشى وپنداريد اسان واوست نزد

اللَّهِ عَظِيمٌ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ

خداى بزرگ وچرا نه جون بشنيديد از دروغ

قُلْتُمْ

نصف

قلتم ما يكون لنا ان نتكلم بهذا سبحانك

بگفتيد سزا نيست اورا مارا كه سخن گوييم باين پاكي تراست
ورا نيست

هذا بهتان عظيم يعظكم الله

اينست دروغي بزرگ پند دهد شمارا خداي

ان تعودوا لمثله ابدا ان كنتم

كه بازگرديد مرمانند او هميشه اگر هستيد

مؤمنين ويبين الله لكم الايات

گرويدگان وپيدا كند خداي مر شمارا نشانيها

والله عليم حكيم ان الذين

وخداي داناست محكم كار هر اينه آنكسانكه

يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين

دوست ميدارند كه آشكارا كنند ناشايست اندر آنانكه

آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والآخرة

بگرويدند مر ايشانراست عقوبتي دردناك در اين جهان ودر آن جهان

وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وخداي داند وشما نمي دانيد

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

واكر نبودي فضل خداي برشما وبخشايش او

وَأَنَّ اللّٰهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ يَا أَيُّهَا

ومراينه كه خداي مهربانست بخشاينده اي

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

انكسانك ايمان اورديد پس روي مكنيد وسوسها

الشَّيْطَانِ ط وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ

ديورا وهركه پس روي كند وسوسها

الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ

ديورا پس هراينه او مي فرمايد بزشتها كر

وَالْمُنْكَرِ ط وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

وبدانچ نهي كرده است واكر نبودي فضل خداي برشما

ع

وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ

و بخشایش او پاکیزه نشدی از شما از یکی

أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ ط

همیشه ولیکن خدای پاکیزه کند هرکرا خواهد

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَا يَأْتَلِ أُولُو

و خدای شنواست دانا و نه سوگند خورد

الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا

افزونی از شما و فراخی که بدهید

أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ

خویشاوندان نزدیک را و مسکینان را و هجرت کنندگان را

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا ط

در راه خدای و عفو کنند و در گذرند

أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ط

دوست دارید که بیامرزد خدای مر شما را

وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ

وخدای امرزنده است بخشاینده هر اینه انانکه

يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ

طعنه میکنند زنان پارسارا بی خبران

الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

زنان گرویده لعنت کرده شوند اندرین جهان وان جهان

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ

ومر ایشانراست عقوبتی بزرگ ازروز گواهی دهند برایشان

أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

زبانهاء ایشان ودستهاء ایشان وپایهاء ایشان بدانچ بودند

يَعْمَلُونَ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللّٰهُ

میکردند ازروز که تمام کند شان خدای

دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللّٰهَ هُوَ

دین ایشان راست ومی دانند که هراینه خدای اوست

الْحَقُّ الْمُبِينُ ۝ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ

راست پيدا . زنان پليدكار مر مردان پليدكار را

وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ

ومردان پليدكار مر زنان پليدكار را . وزنان پاك و پاكيزه

لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

مر مردان پاكيزه را ومردان پاكيزه مر زنان پاكيزه را

أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ

ايشانند بيزار كرده شدگان از انچ ميگويند مر ايشانراست

مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

امرزش وروزي بزرگ اي انانك انانك

آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ

بگرويدند در مرويد در خانها جز خانهاء خويش

حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا

تا اجازت گيريد وسلام كنيد بر اهل ان خانه

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

این تان بهتر خانها خویش تا شاید که شما پند گیرید

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا

پس اگر نیابید دران یکی پس در نروید اندر آن

حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا

تا دستوری دهند مر شمارا واگر گفته شود مر شمارا بازگردید

فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا

پس بازگردید اوست پاکیزه تر مر شمارا وخدای بدانچ

تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ

میکنید داناست نیست برشما بزه

أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ

که در آئید بخانها جز مردم ساکن شده

فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا

دران برخورداری مر شمارا وخدای میداند آنچ

حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ

كشت زارند مرشمارا پس بيائيد بكشت زار خويش

أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ

هرچگونه خواهيد شما وپيش فرستيد مرتنهاء خويش را

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُم

وبترسيد خدايرا وبدانيد كه شما

مُّلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

برسيد بوي ومژده ده گرويدگانرا

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً

ومكنيد نام خدايرا بازدارنده وبهانه

لِّأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا

مرسوگندان خودرا كه نيكويي كنيد وپرهيزكاري كنيد

وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ

واشتي كنيد ميان مردمان

وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ لَا يُؤَاخِذُكُمُ

وخدای شنواست دانا نه گیرد شمارا

اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيٓ أَيْمَانِكُمْ

خدای بنادانسته اندر سوگندهاء شما

وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ

ولیکن بگیرد تانرا بدانچ کسب کردند

قُلُوبُكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

دلهاء شما یعنی وخدای آمرزگارست بردبار

یمین معقوده

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ

مرانکسانرا که سوگند خورند از

نِسَآئِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ

زنان خویش پایستن باید چهار

أَشْهُرٍ فَإِنْ فَآءُوا فَإِنَّ اللّٰهَ

بس اگر بازگردند بس هراینه خدای

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَإِنْ عَزَمُوا

امرزنده است بخشاینده واگر آهنگ کنند

الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ

بطلاق افکندن پس هر اینه خدای

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَالْمُطَلَّقَاتُ

شنوا است دانا و زنان طلاق داده شده

يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ

بپایند مر تنهاء خویش سه

قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ

نمازی و حلال نباشد مر ایشانرا که

يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي

پنهان کنند آنچه آفرید خدای اندر

أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ

زهدانهاء ایشان اگر هستند بگرویدند

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ط

بخداي و روز بازپسين

وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ

و شويان ايشان سزاوارترند باز آوردن ايشان

فِي ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا ط

اندر آن اگر خواهند خوب كاري

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ

و مر ايشان را همچنانك لزن بر ايشان

بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ

بنيكويي و مر مردانرا بر ايشانست

دَرَجَةٌ ط وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

پايگاهي و خداي لزجهين ست استوار كار

ع

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ

طلاق دو بارست يعني افكند طلاق رجعي دو بارست پس بايد داشتن

بمعروف

بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ

بنیکوئی یا یله کردن بنیکوئی

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا

وحلال نباشد مر شما را که بگیرید شما

مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا

از آنچ داده باشید ایشان را چیزی

إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا

مگر که بترسند که نه برپای دارند

حُدُودَ اللَّهِ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ

حدّها خدای عزّ وجلّ پس اگر بترسید

أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ

که نه برپای دارند حدّها خدای

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ

پس نیست بزه برایشان دران چه بازخرید خویش

بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا

بدان انست اين حدّهاء خداي بس

تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ

مكذريد وهركه اندر كذرد

حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ

حدّهاء خدايي بس ايشانند

هُمُ الظَّالِمُونَ فَإِنْ

ايشان ستمكاران بس اكر

طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ

طلاق دهد مراورا بس حلال نباشد مراورا از بس لن

يعني طلاق سيوم

بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا

سه طلاق تا نكند شوي ديكر جز او

غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا

بس اكر طلاق داد مراورا بيست

جناح

جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا

بزه برایشان هردو که بیکدیکر بازکردند

إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا

اکر دانند که بپای دارند

حُدُودَ اللَّهِ ط وَتِلْكَ

حدهاء خداي وانست

حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ

حدهاء خداي که پیدا کرداترا مرکروهی را

يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ

که بدانند وچون طلاق دهید

النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ

زنانرا پس برسند عدتهاء خودرا

فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پس بدارید ایشانرا بنیکوئی

أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

یا گسایند پای ایشان بنیکوئی

وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا

و مدارید ایشانرا زیان کاری

لِّتَعْتَدُوا وَمَن يَفْعَلْ

تا ستم کنید و هرکه بکند

ذَٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

اینها بس بدرستی ستم کرد بر تن خود

وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ

و مگیرید آیتهاء خدایرا

هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ

بافسوس و یاد کنید نعمت

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنزَلَ

خدای بر خویش و آنچ فرو فرستاد

آن

علیکم

عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ

برشما از كتاب

وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ

وحكمت بند دهد شمارا بدان

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا

وبترسيد خدايرا وبدانيد

أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

كه خداي بهر چيزي جري

عَلِيمٌ ۝ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ

داناست وچون طلاق دهيد زنانرا

فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

پس برسند عدتهاء خويش را پس باز مداريد ايشانرا

أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ

كه شوي كنند شويان خويش را

إذا تراضوا بينهم بالمعروف ط

چون يكديگر خشنود شوند ميان خود بنيكويي

ذلك يوعظ به من

اينست پند ميدهند بدو هركه

كان منكم يؤمن

باشد از شما بگرود

بالله واليوم الآخر ط

بخداي وروز بازپسين

ذلكم أزكى لكم وأطهر ط

اينست تان فراسته تر مر شمارا و پاك تر

والله يعلم وأنتم لا تعلمون

وخداي ميداند و شما نه دانيد

والوالدات يرضعن

شير دهيد

و مادران

٣١

15

أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ

فرزندان خويش را دو ساله تمام

لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ

مرانرا كه خواهد كه تمام كند تمه رضاع

وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ

وبرآنكس كه فرزند مر او راست روزي ايشان

وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

وجامهاء ايشان بنيكوئي

لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا

اندر نخواهند از تني مگر توانائي ايت

لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا

زيان نرساند مادر بفرزند خود

وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى

ونه آنك فرزند مر او راست بفرزند خود وبر
است

الْوارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ

میراث خوار همچنانک کنند یعنی نفقه

فَاِنْ اَرادا فِصالًا عَنْ

پس اگر خواهند مادر و پدر شیر باز کردن از

تَراضٍ مِنْهُما وَتَشاوُرٍ

دو ساد

خشنودی از ایشان و مشورت کردن بیشان

فَلا جُناحَ عَلَيْهِما وَاِنْ

پس نیست بزه بر ایشان و اگر

اَرَدْتُمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوا

خواهند شما که شیر دهند

اَوْلادَكُمْ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ

فرزندان خود پس نیست بزه بر شما

اِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ

چون بسپارید آنچ بدادید بنیکویی

وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوٓا اَنَّ

وبترسید خدایرا وبدانید که

اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ

خدای بدانچ میکنید بیناست

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ

وآنانک بمیرند از شما

وَيَذَرُوْنَ اَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ

وباز گذارند زنانرا بپایند ایشان

بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ

تنها خویش را چهار ماه

وَّعَشْرًا فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ

وده روز پس چون برسند بعد تنها خویش

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا فَعَلْنَ

پس نیست بدی برشما اندرانچ بکنند

فِيْ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ

اندر تنهاء خويش به بنيكويي

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ

وخداي بدانچ ميكنيد اكاهست

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا

ونيست بزه برشما اندرانچ

عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ

بزب نمايي كنيد بوذي از

النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِيْ أَنْفُسِكُمْ

زنان يا پنهان داريد اندر تنهاء خويش

عَلِمَ اللّٰهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُوْنَهُنَّ

داند خداي كه شما زود ياد كنيد ايشانرا

وَلٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوْهُنَّ سِرًّا

وليكن وعدهٔ جماع منهيد با ايشان پوشيده

إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ط

مگر آنک بگوئید گفتنی نیک

وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ

واهنگ مکنید بستن نکاح

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ

تا برسد نامه

أَجَلَهُ ط وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

باجل خویش وبدانید که خدای

يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ط

بداند آنچ اندر تنهای شماست بس بترسید ازوی

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

وبدانید که خدای آمرزگارست

حَلِيمٌ ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ

بردبار نیست بزه برشما که

ع

طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ

طلاق دهید زنانرا انکاه که نسوده اید

اَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِیضَةً

یا بر نهید مر ایشانرا بریده کردنی

وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَی الْمُوسِعِ

ومتعه دهید ایشانرا بر توانگر

قَدَرُهُ وَعَلَی الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ

اندازه وی وبر درویش اندازه وی

مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا

متعه دادنی بنیکوئی واجبست

عَلَی الْمُحْسِنِینَ وَاِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ

بر نیکوکاران واگر طلاق دهید ایشانرا

مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمَسُّوهُنَّ

پیش ازان که بسایید ایشانرا

وقد



وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً
و بدرستی که اندازه کرده باشید مر ایشان را اندازه کردنی
فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ
پس نیمه آنچ اندازه کردید مگر آنک
يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ
آنک بگذارند و نخواهند یا آنک بگذارد آنک بدست اوست
عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا
بند نکاح و که بگذارید
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسَوُا
نزدیکتر است بپرهیزگاری و فراموش نکنید
الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ
افزونی میان شما که خدای
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
بدانچ می کنید بیناست

حافظوا على الصلوات

نگاه دارید بر نمازهاء فریضه

والصلوة الوسطى وقوموا

و نماز میانگی و بپای ایستید

لله قانتين فان خفتم

مر خدایرا بنماخوانان بس اگر بترسید از دشمن

فرجالا او ركبانا فاذا امنتم

بس پیادگان یا سواران بس چون ایمن گردید

فاذكروا الله كما علمكم

بس یاد کنید خدایرا چنانچ بیاموزانید شمارا

ما لم تكونوا تعلمون

آنچ نه بودید که بدانید

والذين يتوفون منكم

و آنانک بمیرند از شما

وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً

ودست بازدارند اززنان يعني وصيت كنند وصيت كردني

لِأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى

مرزنان خويش را برخورداري از نفقه وكسوه ومسكني تا

الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ

يكسال بجز بيرون اوردن يعني بيرون مكنيدشان بس اگر

ازخانه شوي

خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

بيرون روند بس نيست بزه برشما

فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ

در انچ بكردند اندر تنهاء خويش

مِن مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ

از نيكوئي وخداي

عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَلِلْمُطَلَّقَاتِ

ارجمندست صواب كار ومرزنانرا طلاق داده

مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى
یکدست جامه بنیکویی واجب است بر
الْمُتَّقِينَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ
برهیزکاران همچنین بدید کند
اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
خدای براء شما نشانیهای و حجتهای خویش تا مگر شما
تَعْقِلُونَ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
در یابید اخبر نکردند ترا ای محمد سوی انکسانکه
خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ
بیرون امدند از سرایهاء خود وایشان
أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
هزاران بودند از بیم مرگ
فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا
بس گفت مرایشانرا خدای بمیرید

ع

ثم

ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ

بس باز زنده کرداینده شان که خدای

لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ

هراینه خداوند افزونی بر مردمان ولیکن

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

بیشتر مردمان سپاس داری نکنند

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا

وکارزار کنید اندر راه خدای وبدانید

أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مَنْ ذَا

که خدای شنواست دانا کیست ازکس

الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا

که وام دهد خدابرا وامی

حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا

نیکو پس یکی بدو کرداند انرا ... که ... وکاداناست

... مراورا ... دوصدان

كَثِيرَةً وَاللّٰهُ يَقْبِضُ

بسيار وخداي تنك كرداند

وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

وفراخ كرداند وسوي او باز كردانند شمارا روز

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ

اند بديه نبي محمد سوي كروه مهتران از

بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ

بسران يعقوب از بس

مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ

موسى جون كفتند مر بيغامبري را كه مر ايشان بود

ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي

بفرست مارا بادشاهي تا كارزار كنيم اندر

سَبِيلِ اللّٰهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ

اره خداي كفت اشمويل هست كه حريص ان كنبد شما

إن كتب عليكم القتال

اگر نبشته شود بر ایشان کارزار

ألا تقاتلوا قالوا وما

که کارزار نکنید گفتند وچه

لنا ألا نقاتل في سبيل الله

مارا که کارزار نکنیم در راه خدای

وقد أخرجنا من ديارنا

و بدرستی بیرون کردند از سرایهاء ما

وأبنائنا فلما كتب عليهم

و پسران ما پس چون نبشته شد بر ایشان

القتال تولوا إلا قليلا منهم

کارزار برگشتند مگر اندکی از ایشان

والله عليم بالظالمين

و خدای داناست بستمکاران

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ

وگفت مر ایشانرا پیغامبر ایشان که خد

قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ

بدرستی بفرستاد مرشمارا طالوت

مَلِكًا قَالُوٓا اَنّٰى يَكُوْنُ

پادشاهی گفتند ازکجا باشد وبود

لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ

مراورا پادشاهی برما وما

اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ

سزاوارتریم بپادشاهی ازو ونه

يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ

دادترس فراخی از مال

قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰيهُ

گفت که خدای بگزید اورا



عليكم وزاده بسطة في

برشما ویفزودش بگستردگی در

العلم والجسم والله يؤتي

دانش وتن اورا وخدای بدهد

ملكه من يشاء والله

پادشاهی خویش هرکه را خواهد وخدای

واسع عليم وقال لهم

فراخ عطاست دانا وگفت مرایشانرا

نبيهم إن آية ملكه

پیغامبر ایشان که نشانی پادشاهی او

أن يأتيكم التابوت فيه

که بیاید شمارا تابوت درو

سكينة من ربكم وبقية

آرامشی است از خداوند شما وبازمانده ای

مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ

ازانچ رست بازدا بس روان موسي واهل

هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ

هارون برداشتند ازا فریشتکان

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ

هر اینه در الملک تابوت نشانی است مرشما

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَلَمَّا

اگر هستید گرویدکان شما پس چون

فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ

بیرون اورد طالوت لشکرها

قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ

بگفت که خدای ازامرده کردانیده است شمارا

بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ

بجویی پس هرکه بخورد ازو

فليس

١٥

23

فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ

پس نيست از من وهركه نه خورد ازان جوي

فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ

پس او از منست مگر انكس كه بدست برد

غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ

برداشتني بدست خويش پس بخوردند ازو

إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ

مگر اندكي از ايشان پس چون بگذشت ازان جوي

هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

او وآنانك بگرويد بااو

قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ

گفتند نيست توانائي مارا امروز

بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ

بجالوت ولشكرهاوي گفتند

الَّذِيْنَ يَظُنُّوْنَ اَنَّهُمْ

انانکه یقین بودند / گمان بودند کجا ایشان

مُلَاقُوا اللّٰهِ كَمْ مِّنْ فِئَةٍ

رسنده اند خدای عزوجل چند از گروهی

قَلِيْلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيْرَةً

اندک غالب شدند گروهی بسیار را

بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَعَ

بفرمان خدای و خدای با

الصَّابِرِيْنَ وَلَمَّا بَرَزُوْا

شکیبایانست وچون بیرون شدند

لِجَالُوْتَ وَجُنُوْدِهٖ قَالُوْا

مر جالوت و لشکرهای اورا گفتند

رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا

ای خداوند ما فرو ریز بر ما شکیبایی

وَثَبِّتْ

فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ

پس هر آینه من نزدیکم پاسخ کنم خواندن

الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا

خواننده را چون بخواند مرا پس پاسخ کنند

لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ

مرا و هر آینه بگروند بمن تا مگر ایشان

يَرْشُدُونَ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ

راه راست یابند حلال کرده شد مر شمارا در شبهای

الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ

روزه ماه رمضان مجامعت کردن سوی زنان خویش

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ

ایشان پوششانند مر شمارا و شما

لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ

پوششید مرایشانرا دانست خدای که شما

كنتم تختانون انفسكم

همي خيانت كردند تنهاء خويش را

فتاب عليكم وعفا عنكم

بس توبه داد برشما يعني بپذيرفت واندر گذشت از شما

فالآن باشروهن وابتغوا

بس اكنون مجامعت كنيد با ايشان وبجوييد

ما كتب الله لكم وكلوا

آنچ قضا كرد خداي مر شمارا وبخوريد

واشربوا حتى يتبين لكم

وبياشاميد تا پيدا شود مر

الخيط الابيض من الخيط

نشان سپيده روز از نشان

الاسود من الفجر ثم اتموا

سياهي شب از سپيده دم يعني بس تمام كنيد

صبح صادق

الصيام الى الليل ولا تباشروهن

روزه را تا شب ومجامعت

وانتم عاكفون في المساجد

وشما معتکف باشید اندر مسجدها

تلك حدود الله فلا تقربوها

انیست بازدشتها خدای بس نزدیک مشوید

كذلك يبين الله اياته

همچنین پیدا کند خدای نشانیها خود

للناس لعلهم يتقون

مردمانرا تا مگر ایشان خویشرا نگاهدارند

ولا تاكلوا اموالكم بينكم

ومخورید خواستهاء خویش میان خویش

بالباطل وتدلوا بها الى الحكام

بناشایست ومبرید شما انرا سوی حاکمان

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ

تا بخورید بهره از خواستهاء

النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

مردمان بر بزه و شما همی دانید

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ

می پرسند ترا ای محمد از دیدن ماهها و قبل ازماه

قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ

بگوی ای محمد آن وقتهاست مر مردمانرا و مر حج

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ

و نیست نیکی بدانک بیایید خانهارا

مِنْ ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ

از پشتها و لیکن نیکی انست

مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ

هرکه بپرهیزد از ناشا یستها و بیاید خانهارا

ع

مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ

از درهاء ایشان وبترسید ازخدای

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَقَاتِلُوا

تامگر شما برهید از عذاب بای وکارزار کنید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ

در راه خدای باانکسانیکه کارزار کنند باشما

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

ومه ازحد گذرید که خدای دوست ندارد

الْمُعْتَدِينَ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ

ازحد گذرندگانرا وبکشید ایشانرا هرجا

ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ

بیابیدشان درحل وحرم وبیرون کنید شان

مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ

از انجاکه بیرون بوانندتان وکافری بلشر

أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ

سختتر از کشتن وکارزار مکنید با ایشان

عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى

نزد مزگت حرام تا

يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ

کارزار کنند با شما اندر وی یعنی در حرم پس اگر کارزار کنند با شما

فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ

پس بکشید ایشانرا همچنین پاداش

الْكَافِرِينَ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ

کافران پس اگر بازایستند هر اینه

اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَقَاتِلُوهُمْ

خدای آمرزنده است بخشاینده وکارزار کنید با ایشان

حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ

تا نباشد ونماند کافری وبباشد وبماند

الدِّينُ لِلّٰهِ فَاِنِ انْتَهَوْا

دين مر خدايرا پس اگر باز ايستند

فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

نيست از حد اندر گذشتن مگر بر ستمكاران

اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ

چون كار زار كنند حرام بماه كار زار كن با ايشان بماه حرام

وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ

و حرامها برابر است پس هر كه

اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا

از حد اندر گذرد بر شما پس از حد گذريد

عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى

بر و بمثل آنك از حد در گذشت

عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوا

بر شما و بترسيد از خداي و بدانيد

أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ وَأَنفِقُوا۟

كه خداي با پرهيزكارانست وهزينه كنيد

فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلْقُوا۟ بِأَيْدِيكُمْ

اندر راه خداي واندر ميفكنيد بدستهاء خود

إِلَى ٱلتَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوٓا۟

سوى هلاك كردن ونيكوئي كنيد

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ

كه خداي دوست ميدارد نيكوكارانرا

وَأَتِمُّوا۟ ٱلْحَجَّ وَٱلْعُمْرَةَ لِلَّهِ

وتمام كنيد حج وعمره مر خدايرا

فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا ٱسْتَيْسَرَ

اگر بازداشته آيد شمارا بس انچ آسان شود

مِنَ ٱلْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا۟ رُءُوسَكُمْ

از قرباني ومستريد سرهاء خويشتن

حَتّٰى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ

تا برسد قربانی بجایگاه کشتن

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا

پس هرکه باشد از شما بیمار

اَوْ بِهٖ اَذًى مِنْ رَاْسِهٖ

یا بوی برسد آزاری از سر او

فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ اَوْ صَدَقَةٍ

پس فدا کردن از روزه داشتن یا طعام دادن درویشان را

اَوْ نُسُكٍ فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَمَنْ

یا قربانی کردن پس چون ایمن گردید پس هرکه

تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ فَمَا

برخورداری بعمره بوقت حج پس لازم

اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ

آنچه آسان آید از قربانی پس هرکه

لم يجد فصيام ثلثة ايام

ندارد و نيابد پس روزه داشتن سه روز

است بر وی

في الحج وسبعة اذا رجعتم

در حج و هفت روز چون بازگردید

تلك عشرة كاملة ذلك

این است ده روز تمام

لمن لم يكن اهله حاضري

مر آنکس راست که نباشد کسهاء وی باشندگان

المسجد الحرام واتقوا الله

مزگت حرام و پرهیزید از خدای

واعلموا ان الله شديد العقاب

و بدانید که خدای سخت است عقوبت

ع

الحج اشهر معلومات فمن

وقت حج ماهها است دانسته و آن شوال و ذو القعده و ده ذی الحجه است

فرض

غَفُورٌ رَّحِيمٌ فَإِذَا قَضَيْتُم

امرزنده است بخشاینده پس چون بگذاریذ شما

مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ

کارها حج تان پس یاد کنید خدا یرا

كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ

همچون یاد کردن شما یزدان خود را یا سخت تر

ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن

یاد کردنی پس از مردمان کسی است

يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا

که یگوید ای خداوند بده ما را در این جهان

وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ

و نیست مر او را اندر آن جهان از بهره

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا

و از ایشان کسی است که بگوید ای خداوند ما

أَشَدَّ



آتنا في الدنيا حسنة وفي

بده مارا اندرین جهان نیکی و در ان

الآخرة حسنة وقنا عذاب

جهان نیکی و نگاهدار مارا از عذاب

النار أولئك لهم نصيب

آتش دوزخ ایشانند مر ایشانرا بهرهء

مما كسبوا والله سريع الحساب

از انچ کردند از طاعت و خدای زود شمار

واذكروا الله في أيام معدودات

و یاد کنید خدایرا در روزهای شمرده

فمن تعجل في يومين فلا

پس هرکه بشتابد در دو روز پس نیست

إثم عليه ومن تأخر فلا إثم

بزه بروی و آنکس را که بازایستد پس نیست

عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ

بر وى مر آنكس را كه بپرهيزد و بترسيد خدايرا

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و بدانيد كه شمارا سوى او كرد آرند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ

واز مردمان كه خوش آيد ترا اى محمد

قَوْلُهُ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا

كفتار او اندر زندكانى اين جهان

وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ

و كواه آرد خدايرا بر آنچ در دل ويست

وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّىٰ

واوست مكاسختر پيكار وچون باز كردد

سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا

بكوشد اندر زمين تا تباه كارى درانجاى كند

وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ط

وهلاك كند بزكري يعني كشت وبيرده زادني

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ۝

وخدايي دوست ندارد تباه كاري را

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ

وچون برسيله شود مراورا بترس خدايرا

أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ

بگيرد اورا ستيزه وحميت بېزه بس بسنده

جَهَنَّمُ ط وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝

است مردي

دوزخ وهر اينه بد گسترديش است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي

واز مردمان كسي است كه نفروشد

نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

نَفْسَهُ

خويشرا جستن خشنودي خداي

وَاللَّهُ

وَاللّٰهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ يَا اَيُّهَا

وخداي مهربانست بندكات اي

الَّذِينَ اٰمَنُوا ادْخُلُوا فِي

انكسانكه بگرويدند اندرائيد اندر

السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا

راستي جون مسلماني همه در شرايع و بس روي مكنيد

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ اِنَّهُ

براثر رفتن ديو كه او

لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَاِنْ

مرشمارا دشمن پيدا بس اگر

زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ

بلغزيد از پس انك بيامد تانرا

الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ

حجتها بس بدانيد كه خداي

عَزِيزٌ حَكِيمٌ هَلْ يَنظُرُونَ

ارجمندست استواركار نه بينند

إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِي

مگر كه بيايد برايشان فرمان خداي در

ظُلَلٍ مِّنَ ٱلْغَمَامِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ

وسايها از ابر وفريشتگان

وَقُضِيَ ٱلْأَمْرُ وَإِلَى ٱللَّهِ

وگزارده شود كار وسوي خداي

تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ سَلْ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

بازگردانند كارها بپرس اي محمد بسران يعقوب را

كَمْ ءَاتَيْنَٰهُم مِّنْ ءَايَةٍۭ بَيِّنَةٍ

چند داديم ايشانرا از نشانها بيدا

وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ مِن

وهركه بگرداند .. دين خداي از

ع

رهند

بعد ما جاءته فان الله

بس انک بیامد اورا بس که خدای

شديد العقاب زين للذين

سخت است عقوبت او بیاراستند مرانانرا

كفروا الحيوة الدنيا ويسخرون

که نکرویدند زندکانی این جهان وافسوس کنند

من الذين امنوا والذين

از انانک بکرویدند وانکسانک

اتقوا فوقهم يوم القيمة

برهیز کردند زبر ایشان روز رستخیز

والله يرزق من يشاء بغير

وخدای روزی دهد هرکرا خواهد بی

حساب كان الناس امة

شمار بودند مردمان یک کروه

وَٰحِدَةً فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ

وقت ابراهیم علیه السلام پس برستاذ خدای پیغامبران

مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ

مژده دهندگان وبیم کنندگان وفرو فرستاد

مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِيَحْكُمَ

با ایشان نامه براستی تا داور باشد

بَيْنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ

میان مردمان اندرانچ اختلاف کردند دروی

وَمَا ٱخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ

واختلاف نکردند اندرو مگر انانک

أُوتُوهُ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ

دادند شانرا از پس انک بیامد ایشانرا

ٱلْبَيِّنَٰتُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ فَهَدَى

حجتها افزونی کردن حسد میان ایشان پس راه نمود

33

اللّه الّذين آمنوا لما اختلفوا

خداي آنانرا كه بگرويدند بدانچه اختلاف كردند

فيه من الحقّ بإذنه واللّه

درو از راستي بفرمان وخداي

يهدي من يشاء إلى صراط

راه راست نمايد هركه خواهد سوي راه

مستقيم أم حسبتم أن تدخلوا

راست يا پنداريد كه درآييد

الجنّة ولمّا يأتكم مثل الّذين

در بهشت وهرگاه كه بيايد شما همچنانك آنكسانك

خلوا من قبلكم مسّتهم

برسيدند بگذشتند پيش از شما رسيد بايشان

البأساء والضّرّاء وزلزلوا

بيماري و تنگي وجنبانيدند ايشان

حَتّٰى يَقُوْلَ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ

تا بگفت پیغامبر و آنکسانک

اٰمَنُوْا مَعَهٗ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ ط

بگرویدند با او کی باشد یاری خدای

اَلَآ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ۝

بدانید که یاری خدای نزدیک است

يَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ط قُلْ

می پرسند ترا ای محمد که چه هزینه کنند بگو

مَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ

که چه هزینه کنید از نیکی یعنی مال بس مادر و پدر را

وَالْاَقْرَبِيْنَ ۝ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ

و خویشاوندان نزدیک را و بی پدران را و درویشان را

وَابْنِ السَّبِيْلِ ط وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ

و راه گذریان را و که چه میکنید شما از



خيرٍ فإنّ الله به عليم

نیکی پس بدرستی که خدای بدان داناست

كُتب عليكم القتال وهو

نبشته شد برشما کارزار وان

كُرهٌ لكم وعسى أن تكرهوا

دشوارست مرشمارا وشاید که دشوار دارید شما

شيئاً وهو خيرٌ لكم وعسى

چیزی را وان بهترست مرشمارا وشاید

أن تحبّوا شيئاً وهو شرٌّ لكم

که دوست دارید چیزی وان بد باشد مرشمارا

والله يعلم وأنتم لا تعلمون

وخدای بداند وشما نه دانید

يسألونك عن الشهر الحرام

می پرسند ترا ای محمد از ماه حرام

قِتَالٍ فِيهِ ط قُلْ قِتَالٌ فِيهِ

کارزار اندرو بگو ای محمد کارزار کردن اندرو

كَبِيرٌ ط وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ

بزرگ است وباز گردانیدن از راه

اللّٰهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ

خدای وکافر شدن بدو ومزگت

الْحَرَامِ ق وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ

حرام وبیرون کردن کسانی وی ازوی

أَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ وَالْفِتْنَةُ

بزرگترست نزد خدای وکافری

أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ط وَلَا يَزَالُونَ

بزرگترست از کارزار وهموار

يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ

کارزار کنند شمارا تا باز گردانند شمارا

عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا ط

از دین شما اگر توانند

وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ

وهرکه بازگردد از شما از

دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ

دین خود پس بمیرد واو ناگرویده باشد

فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ م

وایشانند که تباه گشت کردارهاء ایشان

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ط وَأُولَئِكَ

در این جهان واندران جهان وایشانند

أَصْحَابُ النَّارِ ج هُمْ فِيهَا

یاران آتش دوزخ ایشانند اندرانجا

خَالِدُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ

جاودانه بدرستیکه آنانک

وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ

واکر امیختکی داریذ با ایشان بس برادران شمااند

وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ

وخدای بذاند تباه‌کار را از نیکوکار

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ

واکر خواهد خدای هراینه برنج افکندی شمارا که خدای

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَلَا تَنْكِحُوا

ارجمندست استوارکار و بزنی مکنید

الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ

زنان انبازکیرنده را تا بکروند

وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ

وهر دینه پرستاری کرونده بهتر از

مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا

مردان انبازکیرنده را واکرچه عجب ارد شمارا ای خوش کند و بزنی مکـ

المشرکین

المشركين حتى يؤمنوا

مردان انبازگیرنده را تا بگروند

ولعبد مؤمن خير من

و هرآینه بنده گرویده بهتر از

مشرك ولو اعجبكم اولئك

آزاد ناگرویده و اگرچه خوش آید مر شما را ایشانند که

يدعون الى النار والله

میخوانند سوی آتش دوزخ و خدای

يدعوا الى الجنة والمغفرة

میخواند سوی بهشت و آمرزش

باذنه ويبين آياته

بفرمان وی و پیدا کند نشانهای خود

للناس لعلهم يتذكرون

مر مردمان را تا مگر ایشان پند گیرند

آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا

بگرويدند وانانك هجرت كردند

وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وجهاد كردند اندر راه خداي

أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ

ايشانند اميد دارند خشنودي

اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

خداي وخداي امرزكار بخشاينده

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ

مي پرسيد تراب از مي خوردن

وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ

ومقامري بگوي محمد درين دو بزه

كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ

بزرگ وسودها مردمانرا

وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا

و بزه این دو بزرگترست از سودهات هر دو

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ

و می پرسند ترا ای محمد چه چیز هزینه کنند

قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ

بگوای محمد عفو همچنین پیدا کند

اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ

خدای مر شمارا حجتها تا مگر شما

تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا

بیندیشید در این جهان

وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ

و در آن جهان و می پرسند ترا ای محمد از

الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ

یتیمان بگوای محمد نیکویی مر ایشان را بهترست کردن

وان تخالطوهم فاخوانكم

واگر امیختگی دارید باایشان بس برادرانِ شمااند

والله يعلم المفسد من المصلح

وخدای بداند تباه کاررا از نیکوکار

ولو شاء الله لاعنتكم ان الله

واگر خواهد خدای هر اینه برنج افگندی شمارا که خدای

عزيز حكيم ولا تنكحوا

ارجمندست استوارکار و بزنی مکنید

المشركات حتى يؤمن

زنان انبازگیرنده را تا بگروند

ولامة مؤمنة خير من

وهر دینه پرستاری گرونده بهتر از

مشركة ولو اعجبتكم ولا تنكحوا

مردان انبازگیرنده را واگرچه عجب ارد شمارا ای خوش کند و بزنی مد

المشرکین

المشركين حتى يؤمنوا

مردان ابنا زگیرند را تا بگروند

ولعبد مؤمن خير من

و هراینه بنده گرویده بهتر از

مشرك ولو أعجبكم أولئك

آزاد ناگرویده و اگرچه خوش آید مر شما را ایشانند که

يدعون إلى النار والله

میخوانند سوی آتش دوزخ وخدای

يدعو إلى الجنة والمغفرة

میخواند سوی بهشت وامرزش

بإذنه ويبين آياته

بفرمان وی وپیدا کند نشانیهای خود

للناس لعلهم يتذكرون

مر مردمان را تا مگر ایشان پند گیرند

ويسألونك عن المحيض

و مي پرسند ترا اي محمد از بي نمازي زنان

قل هو أذى فاعتزلوا

بگواي محمد آن ابخاتيلن بس دور شويد

النساء في المحيض ولا تقربوهن

از زنان اندر بي نمازي و نزديك مشويد ايشانرا

حتى يطهرن فإذا تطهرن

تا پاك شوند پس چون پاك شدند

فأتوهن من حيث أمركم

پس بيائيد با ايشان از انجا كه بفرمود شمارا

الله إن الله يحب التوابين

خداي كه خداي دوست دارد توبه كنندكانرا

ويحب المتطهرين نساؤكم

و دوست دارد پاك كنندكانرا زنان شما

حرث